

# رسالة الآراء الطبيعية التي ترضى بها الفلاسفة

منبعی برای فهم پیش از سقراطیان در عالم اسلام  
و معرفی نسخه‌هایی از این رساله

۱۳۲-۱۲۱

**چکیده:** تاریخ فلسفه در یونان با فیلسوفانی آغاز شده که از آنها با عنوان «پیش از سقراطیان» نام برده می‌شود. امروزه با تلاش‌هایی که هرمان دیلز و والتر کرانتس در جمع‌آوری آثار باقی‌مانده از این دسته از فیلسوفان داشته‌اند، می‌توان تا حدودی آراء و اندیشه‌های آنان را دانست. در این میان فیلسوفان مسلمان نیز گاه به آرای از فیلسوفان پیش از سقراطی اشاره می‌کنند. می‌توان گفت منبع اصلی آنها برای استناد اقوالی به فیلسوفان پیش‌اسقراطی رساله الآراء الطبيعية التي ترضى بها الفلاسفة منسوب به فلوطرخس است. موضوع اصلی این مقاله معرفی این کتاب و نسخه‌های برجای‌مانده از آن و بررسی‌ای درباره محتوای آن است. روش تحلیل داده‌ها توصیفی-تحلیلی و تاریخی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. نتیجه‌ای جمالی که این نوشتار به آن دست یافته، این است که این رساله در فهم فیلسوفان مسلمان پیش از سقراطیان نقش کلیدی داشته و گزارش‌های بعدی درباره این دسته از فیلسوفان در عالم اسلام تحت تأثیر این رساله و فهم‌هایی بوده که از این رساله شده است و با توجه به نسخه‌های تازه‌یاب از این رساله تصحیح مجدد آن نیز از امور مهمی است که اهل فلسفه باید به آن اهتمام ورزند.

**واژگان کلیدی:** فلوطرخس، الآراء الطبيعية، پیش‌اسقراطیان، فیلسوفان مسلمان، نسخه‌های خطی

**The Treatise of “al-Ārā al-Ṭabi’iyyah Allatī Tarḍā Bihā al-Falasifah” is a Source of Pre-Socratic Understanding in the Islamic World. and Introducing the Manuscripts of this Treatise**

Mahdi Asgari

**Abstract:** The history of philosophy in Greece began with the philosophers who are called «Pre-Socratics». Today, with the efforts of Hermann Diels and Walter Krantz in collecting the remaining works of this group of philosophers, we can know their opinions and thoughts to some extent. Meanwhile, Muslim philosophers also sometimes refer to the opinions of pre-Socratic philosophers. It can be said that their main source for quoting statements from pre-Socratic philosophers is the treatise of al-Ārā al-Ṭabi’iyyah Allatī Tarḍā Bihā al-Falasifah attributed to Plutarch. The main topic of this article is the introduction of this book and its remaining manuscripts and a review of its content. The method of data analysis is descriptive-analytical and historical, and the data collection is done by library method. The brief conclusion reached by this article is that this treatise played a key role in the understanding of pre-Socratic by the Muslim philosophers and the subsequent reports about this group of philosophers in the Islamic world were influenced by this treatise and the understandings that came from this treatise. According to the new manuscripts of this treatise, its re-editing is also one of the important things that philosophers should pay attention to.

**Keywords:** Plutarch, al-Ārā al-Ṭabi’iyyah Allatī Tarḍā Bihā al-Falasifah, Pre-Socratics, Muslim Philosophers, Manuscripts

## مقدمه

اصطلاح پیش از سقراطیان با انتشار کتاب پاره‌های پیش از سقراطی (Die Fragmente der Vorsokratiker) توسط هرمان دیلز در سال ۱۹۰۳ میلادی رواج یافت. پیش از آن نیچه از این دسته از متفکران یونانی تحت عنوان «پیش از افلاطونیان» (نیچه، ۱۳۵۴، ص ۳۸) و هگل از آنها با عنوان «پیش از ارسطوئیان» یاد کرده بود (شهابی، ۱۳۹۶، ص ۲۷) اما امروزه با انتشار کتاب دیلز اصطلاح «پیش از سقراطیان» رواج بیشتری یافته است. از این رو در این نوشتار به تبع دیلز از این دسته از متفکران با عنوان پیش از سقراطیان یاد می‌شود.

منابعی چندی وجود داشته است تا فیلسوفان دوره اسلامی با آراء و نظرات پیش از سقراطیان آشنا شوند؛ یکی از منابع آثار ارسطو است. در پاره‌ای دیگر از نوشته‌های ترجمه به تفاریق مطالبی درباره پیش از سقراطیان بیان شده است. اما هیچ‌کدام از این منابع به اندازه الآراء الطبيعية از فیلسوفان پیش از سقراطی آرایبی را بیان نکرده است.

اندیشه‌های پیش از سقراطیان در عالم اسلام توسط برخی از فیلسوفان و عقایدنگاران نیز تکرار شد. در این میان سهم کتاب الآراء الطبيعية منسوب به فلوطرخس بسیار زیاد است. این رساله توسط قسطا بن لوقا به عربی ترجمه شد و در اختیار متفکران مسلمان قرار گرفت.

می‌توان گفت فیلسوفان مسلمان از رهگذر این کتاب و نقل‌هایی که برخی از عقایدنگاران همچون ابن ندیم، ابن ابی‌اصیبه، شهرستانی و دیگران داشتند، با آراء فیلسوفان پیش از سقراطی آشنا شدند. البته این بدان معنا نیست که تمام آرایبی که در این رساله و در دیگر رساله‌ها بیان شده، انتساب آنها به فیلسوفان صحیح است؛ اما رساله الآراء الطبيعية سهم بسزایی در فهم فیلسوفان مسلمان از پیش از سقراطیان داشته است؛ از این رو موضوع این نوشتار معرفی این رساله و نسخه‌های باقی‌مانده از آن و معرفی محتوای آن است.

## پیشینه پژوهش

این رساله به همت مرحوم دکتر عبدالرحمن بدوی منتشر شده است و ایشان مقدمه مختصری بر این رساله نوشته‌اند. مقدمه ایشان هرچند مختصر، اما بسیار پرمحتواست. در پژوهش حاضر سعی بر آن شده با توجه به منابعی که دکتر بدوی در اختیار نداشته، پژوهش ایشان تکمیل شود. در ضمن در پژوهش حاضر به معرفی نسخه‌هایی اشاره شده است که دکتر بدوی در اختیار نداشته است.

۱. درباره احوال و آثار این مترجم نامی ر.ک به: مقدمه قسطا بن لوقا، فرق بین روح و نفس، تحقیق و ترجمه بهرام زاهدی، تهران: مولی، ۱۳۹۶.

## درباره الآراء الطبيعية

### نویسنده رساله

همان طور که اشاره شد این رساله منسوب به شخصی به نام فلوطرخوس است. در منابع عربی نام او به گونه های دیگر نیز ثبت شده است: فلوطرخیس (خوانساری، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۱۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۴، ص ۳۰۸) و أفلوطرخس (ابن أبی أصیبعه، ۲۰۰۱ م، ج ۳، ص ۴۲). در منابع کهن درباره احوال او مطلب چندانی را نمی توان یافت.

برخی او را اولین کسی دانسته اند که در مصر به فلسفه مشهور شده است (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۱۶؛ خوانساری، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۱۷۶). از او در جایگاه کسی یاد شده که به تبعیت از فیلسوفانی همچون تالس و آناکساگوراس پرداخته اند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۷۴). فلوطرخوس کتاب طیماسوس افلاطون را شرح کرده است (ابن ندیم، بی تا، ص ۳۴۴). غیر از آنچه بیان شد، مطلب چندانی درباره شخصیت تاریخی وی میان عقایدنگاران مسلمان یافت نمی شود؛ البته در کتاب های بسیاری اقولی را به او منسوب کرده اند (برای مثال ر. ک به: آمدی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۷۵؛ ابوحاتم رازی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴ و ۱۴۲-۱۴۳).

از فلوطرخس نقل شده است که: «گاو ساخت از گل، روزی اهل شهر او به جهت بتان قربان می نمودند او نیز گاو گلی را قربان کرد. عتاب نمودند او را. گفت: ذبح جان دار از برای چیزی که جان ندارد قبیح است» (شهرزوری، ۱۳۶۵، ص ۲۱۱).

### درباره رساله

اما درباره رساله همچون نویسنده اصلی آن توصیفات چندانی میان عقایدنگاران وجود ندارد. دکتر بدوی معتقد است کهن ترین منبعی که از این رساله نامی به میان آورده، البدء و التاریخ مقدسی است (بدوی، ۱۹۸۰، ص ۲۴). مقدسی درباره این کتاب و مؤلف آن در جایی که از «القول فی ابتداء الخلق» بحث می کند، سخن به میان آورده و می نویسد: «قرأت فی کتاب منسوب إلى رجل من القدماء يقال له أفلوطرخس ذکر فیہ اختلاف مقالات الفلاسفة و سمة بکتاب ما یرضاه الفلاسفة من الآراء الطبيعية» (مقدسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶). بعد از مقدسی فیلسوفان و عالمان دیگری همچون ابن ندیم (ابن ندیم، بی تا، ص ۳۵۵؛ قفطی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۴) از این رساله و نویسنده آن نام بردند.<sup>۲</sup>

رساله الآراء الطبيعية در پنج مقاله نوشته شده است. مقاله اول در سی باب، مقاله دوم در سی و یک باب، مقاله سوم هجده باب، مقاله چهارم بیست و سه باب و مقاله پنجم در سی باب نوشته شده که

۲. ابن ندیم در جایی دیگر از الفهرست درباره یک فلوطرخس دیگر نیز سخن به میان آورده است. وی می نویسد: «فلوطرخس آخر: وله من الكتب: كتاب الأثهار وخواصها وما فیها من العجائب والجبال وغير ذلك» ص ۳۵۶.

جمع تمامی ابواب آن ۱۳۲ باب است. در هر کدام از این ابواب موضوع‌های متنوعی مطرح شده است که در بیشتر موارد از پیش از سقراطیان روایت می‌شود.

عده‌ای کتاب الآراء الطبيعية را اثر آنتیوس دانسته‌اند. ادکایی در این باره می‌نویسد: «کتاب ما یرضاه الفلاسفة من الآراء الطبيعية، از آنتیوس (سده ۳ م) که آن را از فلوطرخس / پلوتارخس (۴۶ - ۱۲۰ م) فیلسوف آکادمیایی پنداشته‌اند و به لاتینی آن را «پسندیده‌های فلسفی» خوانده‌اند که در سده دوم (م) تألیف شده، سپس به سریانی هم درآمده. گویند نخستین دفتری است که از سریانی به عربی ترجمه شده.؛ اما ترجمه عربی آن را از قسطا بن لوقا بعلبکی یاد کرده‌اند» (ادکایی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۳).

### تأثیرگذاری رساله

همان‌طور که در بالا اشاره شد، رساله الآراء الطبيعية تأثیر بسزایی در فهم فیلسوفان دوره اسلامی از پیش از سقراطیان داشته است. در این قسمت برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌شود. البته تذکر این نکته ضروری است که ممکن است فیلسوفانی که از آنها روایت می‌شود، دسترسی مستقیمی به رساله الآراء الطبيعية نداشته‌اند، بلکه با واسطه یکی از عقایدنگاران همچون شهرستانی به این مطالب دسترسی پیدا کرده‌اند؛ از این رو در این قسمت کوشیده شده اگر امکان نشان دادن سیر انتقال باشد، این امر صورت گیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که این سیر انتقال هم به صورت یقینی نیست و صرفاً نشان دادن عبارات مشابه در منابع مختلف و رساله الآراء الطبيعية است و ممکن است فیلسوفان یا متکلمان که از آنها عباراتی نقل می‌شود، از منابع دیگری مطالب را به دست آورده باشند.

در الآراء الطبيعية می‌خوانیم: «أما ثاليس الملطي فإنه قال: إنَّ الماء أول الموجودات. وقد يظن أن هذا الرجل أول من ابتدأ بالفلسفة، وبه سميت فرقة اليونانيين. فقد كان للفلسفة انتقال كثير، وهذا الرجل تفلسف بمصر، وصار إلى ملطية، وهو شيخ» (فلوطرخس، ۱۹۸۰، ص ۹۷). شهرزوری (م ۷ هـ.ق) بیان می‌کند: «وذكروا أنَّ أول من تفلسف ثاليس ملطي وبهم سميت الفلسفة «فلسفة»؛ وكان قد تفلسف بمصر وقدم إلى ملطية وهو شيخ كبير» (شهرزوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵). همان‌طور که از این عبارات دانسته می‌شود، عبارت شهرزوری بسیار شبیه عبارت رساله الآراء الطبيعية است. آنچه شهرزوری درباره تالس نقل کرده، با اندک اختلافی در عبارت توسط ملاصدرا تکرار شده است (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

در الآراء الطبيعية می‌خوانیم: «وأما أنقسمانس الملطي فإنه يرى أنَّ مبدأ الموجودات هو الهواء» (فلوطرخس، ۱۹۸۰، ص ۹۸). ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ هـ.ق) می‌نویسد: «وقال أنقسمانس الملطي: أول المبادي هو الهواء» (رازی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). فخر رازی (م ۶۰۶ هـ.ق) می‌نویسد: «ومنهم من قال: أصل الأشياء هو الهواء» (فخر رازی، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۳۰).

در الآراء الطبيعية می‌خوانیم: «و للفلسفة أيضًا مبدأ آخر وهو من بوثاغورس بن منسارخس من أهل



الربط الياس والبارد والمر والكلو وما في الكيفيات ان غلبت بعضها بعضاً يحدث  
الامراض لان كل واحد اذا غلب بذاته كان معتداً للآخر، فاما ازوقلس فزى ان الامراض  
تكون اما من قبل العله التي تسمى به وزياده الحرارة والبرودة واما من قبل العله التي  
تسمى فيه فهي الدم او في الدماغ لان هذين يكون مسابغين الامراض وقد يكون كثير من  
العلل الحاجة اعني للماء والصديد والمده وما اشبه ذلك، واما الصلابة فهي  
اعتدال الدم على كفتها، واما ازوقليس فزى ان كثير من الامراض يكون  
مع تذبذب طقسات التي في البدن ومزاج الهواء وزياده الغذاء وقلة الهضم و  
مكاد العذات واما اصحاب الرواق الاطباء فانهم متفقون على ان السجوخة  
تكون من نقصان الحرارة والذين اكار في ابدانهم كثير يطول مدتهم في الشجوخة، واما  
اسدلساس يقول ان الزنوج همون سريعاً في مقدار اعتدال الحرارة والها الشمس  
واما الذين يسكنون البلاد الذي يقال لهم برطيا همون انهم همون في مائة وعشرين سنة  
لان اما كتم باردة والحرارة العريضة الثابتة فليتها وابدان الزنوج مخطلة لان الشمس  
قد خلطتها واما الذين يسكنون في الشمال فان ابدانهم متكاثفة ولذلك يكون اطول اعماراً  
تمت المقالة الخامسة من كتاب فلوطرخس  
وتمامتم الكتاب وهو مائة واحد وستون باباً والله اعلم  
وكان اصله سقماً سقماً احد

صفحه آخر  
از رساله الآراء  
الطبيعية  
كتابخانه مرعشى  
نجفى

نگه داری می شود (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۹۸).

در تذکرة النوادر من المخطوطات العربية درباره نسخه دیگری از این کتاب آمده است: «رسالة في الآراء الطبيعية التي يقول بها الحكماء، تصنيف فلوطرخس اليوناني كان فيلسوفاً مذكوراً في عصره... نسخة منه في مكتبة السيد أبي عبدالله الزنجاني بزنجان وهي منقولة عن نسخة مكتوبة في سنة ۶۷۷ هـ.ق» (۱۳۵۰، ص ۱۳۹؛ بروكلمان، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۱). به این نسخه دسترسى حاصل نشد؛ اما مشخص است که این نسخه از روی نسخه دانشگاه پرینستون (= نسخه عکسى در کتابخانه آیت الله مرعشى نجفى) نوشته شده است.

نسخه دیگری این رساله به شماره ۲۸۶/۳۳ در کتابخانه آیت الله مرعشى نجفى موجود است (حسینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۵؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۴). به گزارش فنخاین رساله در مجله «میراث شهاب» با شماره ۲۸۶/۶۳ فهرست شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۳). این رساله به خط نستعلیق توسط شاه مراد بن نقدعلی فراهانی وارمینی کتابت شده است.

نسخه دیگر این رساله به شماره ۶۵۱۱/۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگه داری می شود

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اكدوا حب العقل والكموة وحب ابياتة واولياتة الصلوة بذكرنا بلفظ طرخس في الآراء  
 الطبيعية التي يقول بها الحكماء، وهو محسن تعاليم **المفاد الاول في الآراء الطبيعية التي يراه الحكماء**،  
 لما كنت نغزوت على ان تشجع المعاني الطبيعية رأياً ان يجب اضطرار ان تقدم اولاً قسمة  
 ضارة الفلاسفة يعلم ابي حنيفة من اجازتها هو العلم الطبيعي، ولم تقدم ان منها تقول ان الروميين  
 قالوا في الفلاسفة انها **اللائية واللاتية** وان العلم هو المعرفة الفاضلة وهو الطبيعي والفاضلة  
 الفاضلة هي الفاضلة التي في عامة العلوم واجتس العلوم الفاضلة فمن منتهى  
 والخلق والنطق ولهذا العلة صارت الفلاسفة ذات لغة اخرى، فمنها طبيعي ومنها خلق ومنها منطقي  
 فالطبيعي هو الذي يمتد عن العالم بما في العالم والخلق هو الذي يتصرف الذات في الامور  
 والمنطقي هو الذي يمتد من انفسها وهو الذي يمتد من انفسها، فالطبيعي هو الذي يمتد من انفسها  
 وبالجملة جميع الحكماء المتباينين فانهم قسموا الفلاسفة فقالوا فيها لكونها كبرياء اضطرار ان يكون  
 في الوجودات عالمها بالجميل وقد يمكن ان يكون ذلك ما اوصف انزل ان طالباً طلب العلم  
 اعظم من المقدار التي يراه فيه فاذا طلب الطالب هذا العلم كان نظراً لانه لم يطلب شيئاً غير  
 في هذا الموضع وذلك اذ طلب ان يعلم كل العالم غير سناه وما خارج العالم شيئاً فهدت المطالب  
 كلها نظرية فاذا طلب المطالب كيف ينبغي ان يكون تصرفه وسيرته وكيف ينبغي ان يكون الرئاسة  
 وكيف ينبغي ان يكون وضع التواضع كانت هذه المطالب كلها لما جعل به ويكون الطالب علمياً  
**الطبيعي** من اجاز ان غرضنا النظر في الاشياء الطبيعية راب ان يجب انظر ان احسن الطبيعة وذلك  
 انه سكران الزم الكلام على الطبيعة من غير ان يعلم ما الطبيعة وما قوتها ما قول ان الطبيعة على ان  
 ارسلوا ليس سبباً الحركة والسكون فيها ذلك في الاثر الاول لا بعض فان كل البصائر التي  
 لم تكن بافتق ولا بالضرورة ولم يكن الهبة ولم يكن لها قلة مثل ذلك يقال انها طبيعية وان الطبيعة  
 كهيها مثل الارض والماء والهواء والسموات والنبات والحيوان وكذلك ما يكون في البر والبحر  
 والبرود والصواعق والرياح فان هذه كلها طبيعية ولهذا سبباً ما وذلك ان كل واحد منها لم يكن  
 سبباً للآخر بل كان له سبباً ما وكذلك الحيوان والنبات لا سبباً في وقت الكون والطبيعة هي  
 السبب الاول لخلقها وهي سبباً للحركة وليس الحركة فقط بل السكون ايضا فان كل واحد منها  
 للحركة فقد تمكن ان يكون حركته نهاية وذلك صارت الطبيعة سبباً للحركة والسكون **انفس البر والبحر**

صفحه اول  
 رساله الآراء  
 الطبيعية  
 كتابخانه  
 مرعشي نجفی



يكون الحمى في الاثر الاكثر وكثيرا ما يكون من غير ان يظهر لها سبب ويحدث عنها وكان الاثر من  
 القدر وتولد الاورام الكثرة في المرض **والصحة والشيخوخة** اما القامون فيرى ان الصحة يكون من  
 مساواة قوى الرطب واليبس والبارد والحر والعلو والفي الكيفيات وان قلبه بعضها بعضا  
 كحدث الامراض لان كل واحد اذا قلب بذاته كان بعضه الاخر فاما ارونلس فيرى ان  
 الامراض يكون اما من قبل العلة التي ليس به فزياد الحرارة والبرودة والامن قبل العلة التي  
 ليس فيه فهي الدم او في الروع لان في يدين يكون سادس الامراض وقد يكون كثير من الظلال  
 ارض البياض والصدية والحمى وما يشبه ذلك واما الصحة فهي القدر **ما كبريف ما واما**  
**فونفليس** فيرى ان كثيرا من الامراض يكون مع قبل **التم في البدن وسراج الهوا**  
 وزيادة الغذاء وقلة الهضم وفد الغذاء واما اصحاب الرواق والاطباء فانهم متفقون على ان  
 الشيخوخة يكون من نقصان الحرارة والذين الكار في ابدانهم كثير يطول بدهم في الشيخوخة واما اهل ادراك  
 يقول ان الزنوج هم سريعا في مقدار اعدال الحرارة وانها تفسد واما الذين يكمنون ابلد  
 الذي يقال له رطبا فيقول انهم هم سريعا في مائة وشرين سنة لان اماكنهم باردة والحرارة الغريزة  
 الباردة تلبث منها وابدان الزنوج سخنة لان افسس قد خلقتها واما الذين يكمنون في الشمال  
 فان ابدانهم سخنة وقد يكونون اطول زمانا  
**تت الفعالة الخامسة من كتاب الطب**  
 وتمامه تم الكتاب وهو اتم  
 واهد وستون بابا  
 وهد احمد



(اشکوری، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۷۴۵۷). در آخرین نسخه آمده است: «في ليلة شهر رجب ۱۳۳۴» که نشان می دهد نسخه متأخر است.

### نتیجه

از آنچه گفته شد دانسته می شود کتاب الآراء الطبيعية منسوب به فلوطرخس کتاب مهمی برای فهم پیش از سقراطیان در جهان اسلام بوده است. تاکنون این رساله یک بار توسط مرحوم دکتر بدوی تصحیح شده است. اساس کار دکتر بدوی تنها یک نسخه خطی بوده است؛ اما با توجه به نسخه هایی که در این مقاله به آنها اشاره شد، باز تصحیح این رساله موجه خواهد بود.

### کتاب نامه

۱. ابن ابي أصيبعة، احمد بن قاسم؛ عيون الأنباء في طبقات الأطباء؛ تصحيح محمد باسل عيون السود؛ بيروت: منشورات محمد علي بيضون دارالكتب العلمية، ۱۹۹۸ م.
۲. ابن رشد، ابوالوليد محمد بن احمد؛ تفسير مابعد الطبيعة؛ تصحيح موريس بويز؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۷.
۳. ابن سينا، حسين بن عبدالله؛ الشفاء (الطبيعية)؛ تحقيق سعيد زايد و ديگران؛ ج دوم، قم: مکتبه آيت الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ بيروت: دار المعرفة، [بی تا].
۵. ابوحاتم رازی، احمد بن محمد؛ أعلام النبوة؛ تقديم و تحقيق و تعليق: صلاح صاوی و غلامرضا اعوانی؛ ج دوم، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
۶. اذکایی، پرویز؛ فهرست ما قبل فهرست (آثار ایرانی پیش از اسلام)؛ مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۷. آمدی، سيف الدين؛ أبقار الأفكار في أصول الدين؛ تحقيق و تعليق احمد فريد المزيدي؛ بيروت: منشورات محمد علي بيضون دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ ق.
۸. بدوی، عبدالرحمن؛ مقدمه بر الآراء الطبيعية في النفس؛ بيروت: دار القلم، ۱۹۸۰ م.
۹. حسینی اشکوری، سید جعفر؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۰. حسینی، سید احمد؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله نجفی مرعشی؛ زیر نظر سید محمود مرعشی؛ ج دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، [بی تا].
۱۱. خوانساری، محمد باقر؛ روضات الجنات في أحوال العلماء و السادات؛ تحقيق اسدالله اسماعيليان؛ قم: دهقانی (اسماعیلیان)، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. دائرة المعارف العثمانية؛ تذكرة النوادر من الخطوط العربية؛ حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۵۰.
۱۳. درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)؛ تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۱۴. —؛ فهرستواره دستنوشته ها ایران (دنا)؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس و شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۵. —؛ فهرستواره دستنوشته ها ایران (دنا)؛ مشهد: مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد، ۱۳۹۸.
۱۶. رازی، فخرالدین؛ الأبعين في أصول الدين؛ قاهره: مکتبه الکليات الأزهرية، ۱۹۸۶ م.
۱۷. شهرزوری، شمس الدين محمد بن محمود؛ نزهة الأرواح و روضة الأفراح (تاريخ الحكماء)؛ ترجمه مقصود علی تبریزی؛

- به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمدسرور مولائی؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۸. \_\_\_\_\_: رسائل الشجرة الإلهية في علوم الحقايق الربانية؛ مقدمه و تصحیح و تحقیق: دکتر نجفقلی حبیبی؛ تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
۱۹. شهرستانی، عبدالکریم؛ الممل و النحل؛ تحقیق محمد بدران؛ چ سوم، قم: انتشارات الشریف المرتضی، ۱۳۶۴.
۲۰. ضیاء شهابی، پرویز؛ سرآغاز و سرانجام هست‌ها؛ تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۶.
۲۱. قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف؛ تاریخ الحکماء ترجمه فارسی از قرن یازدهم؛ به کوشش بهین دارائی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۲. کارل، بروکلیمان؛ تاریخ الأدب العربي؛ ترجمه عبدالحلیم نجار؛ چ سوم، مصر: دار المعارف، [بی‌تا].
۲۳. گروهی از نویسندگان؛ المخطوطات العربیة فی جامعة برنستون؛ تعریب و تحقیق محمد عایش؛ [بی‌جا]: سفینه الصفا العلمیة، ۱۴۳۲ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. مقدسی، مطهر بن طاهر؛ البدء و التاریخ؛ [بی‌جا]: مکتبه الثقافة الدینیة، [بی‌تا].
۲۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم؛ رساله الحدوث؛ تحقیق و تصحیح سیدحسین موسویان؛ تهران: انتشارات بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۷۸.
۲۷. نیچه، فریدریش؛ حکمت در دوران شکوفایی فکری یونانیان؛ بازگویی کامبیز گوتن؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.